گزارش دوم

جشنواره قلم زرین به کار خود پایان داد

دشمنی با حداد مخالفت با فارسی

آخر هفته‌ای که گذشت در آستانه روز قلم، هفدهمین جشنواره قلم زرین، در مراسمی با حضور شاعران، نویسندگان و اهالی قلم و فرهنگ عصر در پردیس سینمایی باغ کتاب به کار خود پایان داد.

آن‌طور که اینبا گزارش داده، آیین اختتام هفدهمین جشنواره قلم زرین که از طرف انجمن قلم و با همکاری نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور برگزار می‌شد، با بزرگداشت غلامعلی حدادعادل به عنوان چهره پیشکسوت فرهنگی و عضو انجمن قلم و همچنین اعلام برگزیدگان و شایستگان تقدیر این دوره از جشنواره همراه بود. محسن پرویز، رئیس انجمن قلم ایران، به عنوان اولین سخنران این مراسم عنوان کرد: انتخاب و تقدیر از برگزیده ادبی سال، به عهده حوزه هنری است و انجمن قلم در حقیقت از پیشکسوتان حوزه قلم که عضو انجمن هستند، تقدیر می‌کند. این ماجرا با تجلیل از حمید سبزواری شروع شد و در سال‌های گذشته در این بخش، از نصرا... مردانی و محمد سرشار و... تقدیر شده است.

در ادامه این برنامه پس از قرائت بیانیه آیین اختتامیه هفدهمین جشنواره قلم زرین توسط رحیم مخدومی (دبیر این دوره از جشنواره) با حضور نیکنام حسینی‌پور (مدیر عامل موسسه خانه کتاب)، محمدرضا سرشار (مدیر مسؤول انتشارات انجمن قلم) و راضیه تجار، (دبیر انجمن قلم)، ناشران برگزیده، نویسندگان و شاعران برگزیده و شایسته تقدیر در پنج بخش داستان و شعر بزرگسال، داستان و شعر کودک و نوجوان و پژوهش و نقد ادبی در این دوره اعلام و تقدیر شدند. ادامه برنامه که به تقدیر از حدادعادل به عنوان پیشکسوت حوزه قلم و عضو انجمن قلم اختصاص داشت، با پخش نماآهنگی برای پاسداشت وی همراه بود و پس از آن فتحا... مجتبایی، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی به ایراد سخنرانی پرداخت. مجتبایی ضمن بیان این‌که قلم و کتاب و کلام برای ما قداست تنزیلی دارد، ابراز امیدواری کرد که انجمن قلم بتواند این قداست تنزیلی را حفظ کند و به کمال برساند.

حداد: ذوق شعری را از پدرم دارم

آخرین سخنران این مراسم غلامعلی حدادعادل بود، ضمن بیان این‌که قلبا به برگزاری این بزرگداشت رضایت نداشته، از انجمن قلم ایران به خاطر این برنامه، از معلمان و استادان و خانواده خود تشکر کرد و گفت: من ذوق و قریحه شعری‌ام را از پدرم دارم. پدر من تحصیلات دانشگاهی و حتی دبیرستانی نداشت، شغل او هم به غایت دور از ادبیات بود، اما از انوری، فردوسی، سعدی و سنایی شعر حفظ داشت، تا پروین اعتصامی و شاعران معاصر. رئیس فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی در بخش دیگری از سخنان خود اظهار کرد: کار اصلی من فلسفه است. من هیچ‌گاه در دانشگاه معلم رسمی زبان و ادبیات فارسی نبوده‌ام، اما در زندگی عشق من زبان فارسی است. من معتقدم ما علاوه بر زیست‌بوم طبیعی، یک زیست‌بوم فرهنگی هم داریم که باید حفظ شود، این زیست بوم فرهنگی یکی دین است و دیگری زبان فارسی که زبان دوم عالم اسلام است.

رئیس بنیاد سعدی ضمن تاکید بر این‌که وظیفه ماست چراغ زبان و ادب فارسی را روشن نگه داریم، اضافه کرد: باورم این است که زبان فارسی از حیث ساختار، واژگان، دستور زبان و توانایی‌ها، هیچ کمتر از زبان انگلیسی نیست، به شرط این‌که به آن دل ببندیم و امکانات این زبان را از قوه به فعل برسانیم. این برنامه با تقدیر از غلامعلی حدادعادل از طرف نهادهای مختلف دولتی و فرهنگی و امضای تصویر یادبود این بزرگداشت به پایان رسید.

گلایه از ۲۵ درصد افزایش قیمت

گلعلی بابایی نویسنده از انتشار ترجمه عربی دو کتاب «ماه همراه بچه‌هاست» زندگینامه شهید همت و «در هاله‌ای از غبار» زندگینامه شهید احمد متوسلیان خبر داد و گفت: پیش از این، این دو کتاب به زبان عربی ترجمه شده بود، اما زمانی که در نمایشگاه کتاب بیروت حضور یافتیم، مرکز دایره‌المعارف لبنان خواستار عرضه این کتاب به زبان عربی شد. این نویسنده ادامه داد: البته وضعیت کاغذ به روند انتشار کتاب‌های دفاع مقدس بسیار ضربه زده است، کتابی که دو سال پیش ۲۰ هزار تومان قیمت می‌خورد، اکنون ۷۰ هزار تومان قیمت می‌خورد، رکود بازار و کمبود بودجه موجب شده در وضعیت فعلی ناشران تمایلی به انتشار کتاب‌های دفاع مقدس نداشته باشند. زمانی که ناشر بودجه نداشته باشد، کار جدید منتشر نمی‌کند، بنابراین اثری هم خلق نمی‌شود، اگر هم کتابی خلق شود، درست به جامعه معرفی نمی‌شود، مگر این‌که رهبر انقلاب کتاب را خوانده باشند و تقریظی بنویسند، آن زمان کتاب معرفی می‌شود.

در این روزها که انگلیسی‌ها دوباره درحال موش دواندن هستند، خواندن رمان «دشت‌های سوزان» خالی از لطف نیست

روایت بچه محله امامزاده حسن(ع) از ظلم انگلیسی

محمدصادق علیزاده

ادبیات و هنر

خبرش تلخ بود؛ این‌که نظامیان نیروی دریایی انگلیس چند هزار کیلومتر آن طرف‌تر ریخته‌اند توی یک نفتکش که داشته نفت ما را حمل می‌کرده. یک‌وقت ذهن‌تان نرود به این سمت که نفتکش کار غیرقانونی انجام می‌داده؛ نه. داشته نفت ما را برای یک از مشتریان حمل می‌کرده که انگلیسی‌ها می‌ریزند توی عرشه و آن را توقیف می‌کنند. این را بگذارید کنار اقدام اخیر سفیرشان در تهران که قرار بود نشست خبری بگذارد، منتها شرط و شروط گذاشته بود که به هیچ سوالی پاسخ نخواهد داد و متنی که قرائت می‌کند هم ترجمه نخواهد شد و هیچ عکاس و خبرنگاری حق هیچ حرکت اضافه‌ای را هم ندارد. همین‌ها برای ما کافی است تا امروز برایتان از «دشت‌های سوزان» بگوییم. شرح حالی رمان و داستان‌گونه از روزهایی که انگلیسی‌ها به دنبال کشف نفت افتاده بودند به جان خاک‌های خوزستان و حکومت مرکزی ایران در اوج ضعف و انحطاط، رمقی نداشت تا بلکه آن‌گونه که باید با نظامیان استعمار پیر برخورد کند.

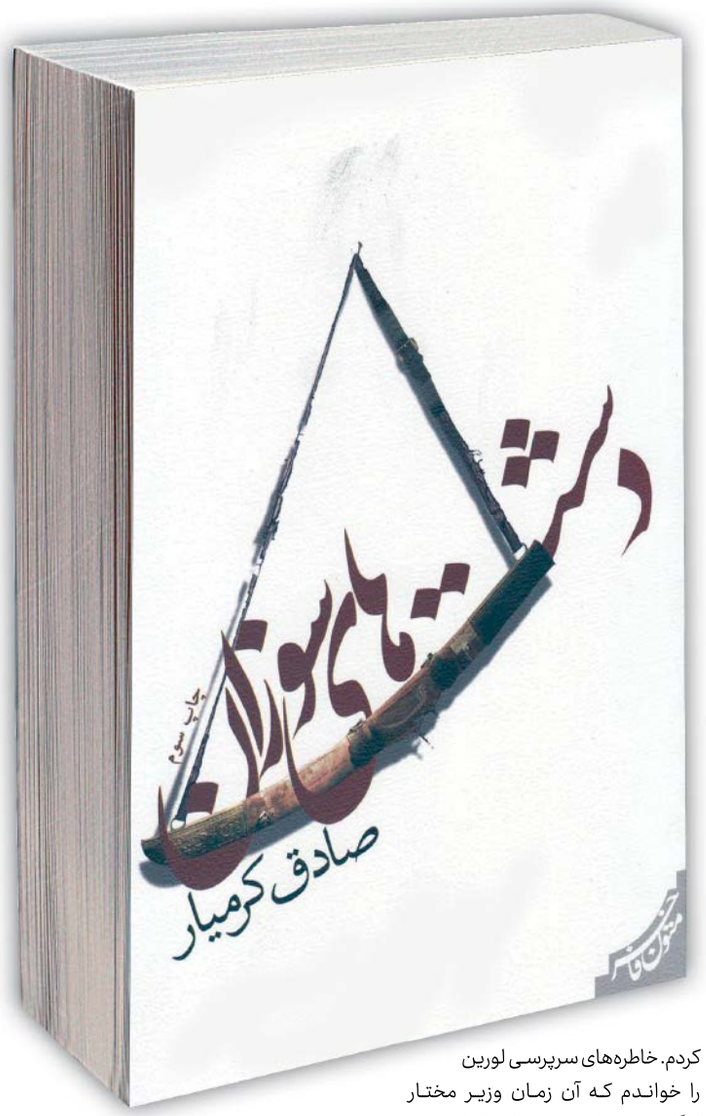

کشتی در خرمشهر لنگر انداخته و مسافران در حال پیاده شدن بودند. ویلسون به بدرقه مستر جونز آمده بود. در کنار بندر هم ثامر و مسعد در انتظار سیدمحمد بودند. ویلسون در حالی که با جونز حرف می‌زد آنها را زیر نظر داشت. سیدمحمد را که دید به جونز گفت: «بیا تا با یک آدم جالب آشنا شوی!» و به سمت سید رفت: «سلام بر سیدمحمد!» سید ایستاد! سید جواب داد: «علیکم مستر ویلسون!» ویلسون، جونز را معرفی کرد: «با مستر جونز، نماینده رسمی مستر دارسی آشنا شوید!» سید به ویلسون گفت: «تا الان خیال می‌کردم شما نماینده تام‌الاختیار بریتانیا هستید!» ویلسون گفت: «من نماینده نظامی بریتانیای کبیر هستم!»

سید از جونز پرسید: «و شما حتما نماینده سیاسی؟!» ویلسون گفت: «ایشان فارسی بلد نیستند!» سید نیشخند زد: «از عجایب است؛ بالاخره یک انگلیسی دیدم که فارسی نمی‌داند!» ویلسون برای جونز ترجمه کرد. جونز خندید و گفت: «به ایشان بگو من عاشق زبان فارسی هستم. فارسی شکر است. به محض بازگشت به لندن، زبان شما را یاد خواهم گرفت.» ویلسون برای سیدمحمد ترجمه کرد. سید گفت: «به ایشان بفرمایید نیازی نیست! همین تعداد از شما که فارسی بلدند برای همه ایران بلکه همه بلاد اسلام کفایت می‌کند!» ویلسون جا خورد! جونز متوجه فضای سنگین جمع شد و منتظر واکنش ویلسون ماند. ویلسون مکثی کرد و گفت: «کاش می‌دانستم چطور می‌توانم دل شما را به دست بیاورم. اهمیت دوستی با شما برای من به اندازه اهمیت اکتشاف نفت در ایران است!»

ادای دین به ایرانی‌های داغدیده

اینها بخش‌هایی از سطور رمان «دشت‌های سوزان» است. نویسنده‌اش را حتما می‌شناسید؛ صادق کرمیار! کرمیار را در سال‌های اخیر به واسطه رمان «نامیرا» می‌شناسند که ادای دینی است به حضرت سیدالشهدا(ع)! با این حال او چند داستان خوب دیگر هم دارد که یکی‌شان همین دشت‌های سوزان است. کرمیار در این اثر سعی کرده بخشی از ظلمی را که از طرف استعمار به مردمش تحمیل شده، روایت کند. پسربچه محل امامزاده حسن(ع) تهران که به قول خودش در دهه ۴۰ در جنوب غرب پایتخت تشتک‌بازی می‌کرد در این کتاب به تاریخ تونل زده و یک قرن به عقب برگشته، داستانش را از روزهایی شروع کرده که انگلیسی‌ها افتاده بود به جان خاک داغ خوزستان و وجب به وجب بو می‌کشیدند تا مگر کجا به نفت برسند!

درست است کرمیار در این کتاب سعی کرده داستان بگوید، ولی خب داستانگویی‌اش متعهد به تاریخ است. خودش در این زمینه می‌گوید: درباره کشف نفت و ماجراهای خوزستان، سندِ تاریخی به اندازه کافی وجود دارد. درباره قصه‌ای که در دشت‌های سوزان روایت می‌کنم سندهای تاریخی زیادی وجود دارد. هم کتابِ خاطره‌های افراد مختلف و هم کارهای تاریخی مورخ‌ها را داریم. البته درباره این موضوع خاص، کتاب خاطره‌های وزیر مختار انگلیس هم اطلاعات خوبی دارد. بین چیزهایی که برای این کار به آن دسترسی داشتم، از تاریخ ۵۰۰ ساله خوزستان شروع کردم. خاطره‌های سرپرسی لورین را خواندم که آن زمان وزیر مختار انگلستان در ایران بود. البته کتاب سفرنامه مادام دیالوفوآ هم منبع خوبی بود.

صد سال برویم عقب

از نظر زمانی، رمان به اواخر جنگ جهانی اول و اواخر دوران قاجار مربوط است. خود ناشر آن را روایتگرِ داستانی وقایع خوزستان از دوره ناصری تا به قدرت رسیدن رضاخان می‌داند. از تأثیر جنگ‌های جهانی اول و دوم تا پیدایش نفت در خوزستان و ماجراهای کاخ فیلیه که متعلق به شیخ‌الشیوخ خوزستان است تا به قدرت رسیدن شیخ خزعل در خوزستان و مبارزات قبایل گوناگون جنوب علیه استعمار و استبداد را روایت می‌کند. داستان با مرگ شیخ جابر آغاز می‌شود و جنگ قدرت برای جایگزینی شیخ‌الشیوخ ادامه دارد. تا این‌که شیخ خزعل قدرت را در کاخ فیلیه در دست می‌گیرد و مخالفان خود را یکی‌یکی از سر راه برمی‌دارد. عشق بدران و وریده و مبارزات بدران علیه شیخ خزعل و استعمارگران جذابیت مضاعفی به داستان بخشیده است.

خوره‌کتاب‌ها هم خوش‌شان آمده

دشت‌های سوزان در شبکه اجتماعی کتابخوان‌ها هم امتیاز بالایی دارد و توانسته از ۵ امتیاز، ۴/۲ امتیاز را از آن خود کند که به نسبت، امتیاز بالایی است. مجید اسطیری، یکی از کاربران خوره‌کتاب گودریدز درباره این اثر چنین پیامی گذاشته:

دشت‌های سوزان داستانی است خواندنی. ماجرای آن دوره ناصرالدین شاه قاجار و مبارزات ملی مذهبی مردم خوزستان برای استقلال داشتن در بهره‌برداری از نفت و کشتیرانی جنوب است. نیروهای پیشبرنده ماجراهای داستان را می‌شود این چند تا دانست:

۱ انگلیسی‌ها که به عنوان استعمارگران پیر دنیا خیلی خوب ترسیم شده‌اند. به همان حیله‌گری و تفرقه‌اندازی که هستند!

۲ شیخ خزعل که به خاطر قدرت، برادرش را می‌کشد و به خاطر قدرت حاضر است با انگلیسی‌ها متحد شود و مردم را زیر پا بگذارد و...

۳ مردم بیگناه و مظلوم که جز کشته شدن، سهمی از ثروت‌های اطراف خود ندارند و بالاخره برای دفاع از حق خود قیام می‌کنند.

۴ مرجعیت شیعه که دو نمونه مختلفش را در داستان می‌بینیم. آیت‌ا... جزایری که ابتدا در مقابل انگلیسی‌ها مقاومت می‌کند و در نهایت فتوا می‌دهد کار کردن برای آنها اگر مفسده‌ای نداشته باشد منع شرعی ندارد؛ و آیت‌ا... یزدی که تا پایان در برابر انگلیسی‌ها کوتاه نمی‌آید.

از این چهار نیروی اصلی که بگذریم نیروهای زیاد دیگری هم جریانات داستان را در ابعاد کوچک‌تری هدایت می‌کنند. مثلا درگیری‌ها بین طوایف بومی و طمع‌ورزی‌های شخصی مانند آنچه در مطرود می‌بینیم. در این روزها که دوباره بحث انگلیسی‌ها و روابط شکرآب‌شان با ما به تیتر خبرها آمده شاید خالی از لطف نباشد که دشت‌های سوزان را تورقی کنیم.

همین نیروهای بیرونی فراوان باعث شده‌اند این رمان پر از کشمکش‌های بیرونی باشد و چندان راهی به درون آدم‌ها نداشته باشیم. احتمالا کسانی که دغدغه‌های تاریخی داشته باشند یا حتی بخواهند درباره تاریخ جنوب مطالعه کنند از خواندن آن خیلی لذت ببرند.

«دشت‌های سوزان» روایت رنجی است که یک قرن قبل و در سال‌های اکتشاف نفت ازجانب انگلیسی‌ها به مردم ایران تحمیل شد

جایزه ۶۰ هزار دلاری به رمان «لبنانی» می‌رسد؟

داوران شش نویسنده، ازجمله مایکل محمد احمد، ملیسا لوکاشنکو و رادنی هال را برای رقابت بر سر جایزه ۶۰ هزار دلاری مایلز فرانکلین انتخاب کردند.

آن‌طور که ایبناگزارش گاردین را ترجمه کرده، این فهرست شامل برنده پیشین این جایزه، رادنی هال، گیل جونز، ملیسا لوکاشنکو (که پیش از این در فهرست بلند این جایزه هم بوده)، به همراه گرگوری دِی، مایکل محمد احمد و جنیفر مایلز است.

شاید هال با «یک فصلِ ربوده‌شده» در آستانه دریافت سومین جایزه مایلز فرانکلین خود باشد.

رمانی که متشکل از سه داستان ظاهرا غیرمرتبط اما درهم‌تنیده است.

«مرگ نوآگلس» اثر گیل جونز داستان دو فرزند یک مورخ هنری مُرده را روایت می‌کند که در تلاش برای کنار آمدن با مرگ مرموز پدر خود هستند و پلیس با تحقیقاتی که انجام داده بر این باور است که او مرتکب سرقت ادبی شده است.

«لب زیادی» از ملیسا لوکاشنکو یک رمان کمیک تلخ درباره خانواده، کشور و سفر آخر یک زن به زادگاه خود پیش از مرگ پدرش است که سرآخر از زندان سر در می‌آورد. جنیفر مایلز با «تنفس» برای اولین‌بار در میان فینالیست‌های این جایزه دیده می‌شود. داستانی که در آن ساکنان کلپستون، یک شهر کوچک ساحلی در استرالیا از خواب بیدار می‌شوند و می‌بینند اقیانوس ناپدید شده.

«لبنانی» از مایکل محمد احمد، خواننده را به پانچبول در غرب سیدنی و آن دبیرستان در حومه می‌برد، که بیشتر شبیه به زندان است تا مدرسه. «لبنانی» موفق به کسب جایزه چندفرهنگی در جوایز ادبی نخست‌وزیری ویکتوریا ۲۰۱۹ شد.

«آرشیو شنی» نوشته گرگوری دِی داستان نویسنده‌ای را دنبال می‌کند که به یک کتاب قدیمی برمی‌خورد که به جزئیات تلاش‌های یک مهندس برای کمک به تثبیت تپه‌های شنی در طول ساخت «جاده بزرگ اقیانوسی»، از میراث‌های ملی استرالیا می‌پردازد.

هریک از نویسندگان فینالیست مبلغ ۵۰۰۰ دلار دریافت خواهند کرد. برنده ۶۰ هزار دلاری جایزه نیز روز ۳۰ جولای اعلام خواهد شد.

ترجمه ترکی «من او» منتشر شد

«من او»ی رضا امیرخانی از آن کتاب‌های رستگار است؛ هم مخاطبان فارسی‌زبان ادبیات داستانی حسابی از آن استقبال کرده‌اند و هم رمان‌خوان‌های خارجی به حساب ترجمه‌هایی که از آن صورت گرفته به خواندنش نشسته‌اند ازجمله ترجمه روسی و عربی که پیش از این صورت گرفته است. حالا هم خبرگزاری تسنیم خبر داده که انتشارات مهنا ترجمه ترکی «من او» اثر رضا امیرخانی را منتشر کرده است.

این کتاب توسط احمت ادیگزل ترجمه شده و انتشار مهنا آن را چاپ و روانه بازار کرده است. بنا به گفته هاشمی‌نژاد مدیر انتشارات افق، انتشارات مهنا در تماسی خواستار خرید حق تألیف کتاب و انتشار این کتاب به زبان ترکی استانبولی شده است. شورای گرنت وزارت ارشاد نیز حمایتی ۱۵۰۰ یورویی از این کتاب داشته است.

رضا امیرخانی «من او» را در سال ۷۸ منتشر کرد و موجی از تحسین و شگفتی در مجامع ادبی به راه انداخت. «من او» ساختاری نو و بدیع در فضای راکد آن سال‌های رمان‌نویسی در ادبیات ایران داشت و خیلی زود موج تقلید از ساختار خاص این رمان در فضای ادبیات ایرانی به راه افتاد.

«منِ او» شامل ۲۳ فصل است. فصل‌های «من» و فصل‌های «او». راویِ فصل‌های «من» نویسنده یا همان دانای کل است و راوی فصل‌های «او» شخص اول داستان یعنی جناب علی فتاح. داستان از سال ۱۳۱۲ شمسی در خانی‌آباد (محله‌ای در تهران) شروع می‌شود و با پیچ و خمی ماهرانه، در زمان‌ها و مکان‌های دیگر ادامه پیدا می‌کند.

حرف‌های وزیر ارشاد درباره معین

وزیر ارشاد، با اشاره به شناخت و تخصص استاد معین در فرهنگ نامه نویسی، گفت: استاد معین طی سال‌های ۴۵-۳۴ مسؤولیت لغت‌نامه دهخدا را بر عهده داشت و می‌توان گفت استاد معین سهم قابل توجهی در لغت نامه دهخدا دارد.

به گزارش ایسنا، سید عباس صالحی در مراسم بزرگداشت استاد محمد معین که در آستانه اشرفیه برگزار شد، با اشاره به وجود شخصیت‌های برجسته علمی و فرهنگی و ادبی و هنری در استان گیلان، اظهار کرد: استاد محمد معین از جمله چهره‌ها و شخصیت‌های ماندگاری است که به نماد فرهنگ و ادب و زبان فارسی تبدیل شده است.

او با اشاره به تلاش‌های بسیار استاد معین برای اعتلای زبان فارسی، گفت: استاد معین در دوران زندگی خود متحمل سختی‌های فراوان شد و با وجود یتیمی به چنین جایگاه والایی در فرهنگ و ادبیات فارسی دست یافت، جوانان باید استاد معین را الگوی خود در کار و تلاش و رسیدن به اهداف قرار دهند.

وزیر ارشاد با بیان این‌که استاد معین همواره به آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت اهتمام داشت، تصریح کرد: استاد معین انسانی نابغه، دانشمند و فرهیخته در عرصه فرهنگ و ادب بود. باید از کسانی که در این عرصه تلاش کرده‌اند، قدردانی کنیم.

صالحی فرهنگ لغت معین را بزرگ‌ترین و مهم‌ترین خدمت این استاد فرهیخته به زبان و ادب فارسی دانست و بیان کرد: فرهنگ‌نامه‌نویسی در ایران قدمت یک هزار ساله دارد و در فرهنگ لغت معین بیش از ۲۰۰ هزار کلمه گردآوری شده است.

او با بیان این‌که فرهنگ لغت معین باب جدیدی در امر فرهنگ‌نامه‌نویسی ایجاد کرد، ادامه داد: فرهنگ نامه‌نویسی به قبل از معین و بعد از معین تقسیم می‌شود، چهار جلد از فرهنگ لغت ۶ جلدی معین به لغات اختصاص دارد و یک جلد ترکیبات و جلد دیگر اعلامات است.

وزیر ارشاد با اشاره به شناخت و تخصص استاد معین در فرهنگ نامه‌نویسی، متذکر شد: استاد معین طی سال‌های ۴۵-۳۴ مسؤولیت لغت‌نامه دهخدا را بر عهده داشت، پس می‌توان گفت استاد معین سهم قابل توجهی در لغت‌نامه دهخدا دارد.

آگهی تغییرات شرکت شیرسازی پترو فجر مرکزی سهامی‌خاص به شماره ثبت ۶۲۳۴ و شناسه ملی ۱۰۷۸۰۰۹۶۵۵۵ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۰۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱- روزنامه کثیرالانتشار جام‌جم جهت نشر آگهی‌های سالیانه شرکت تعیین گردید. ۲- ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت در سال مالی ۱۳۹۶ تصویب گردید.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مرکزی اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری اراک (۵۱۹۹۶۶)